

پیامدهای برقراری ترتیبات تجاری ترجیحی در غرب آسیا بر بخش خارجی ایران

**

*

/ / /

چکیده

ایران با مدنظر قرار دادن اهدافی چون سازگاری بیشتر با مقررات حاکم بر تجارت بین‌الملل، تمهید مقررات گذاری لازم برای الحاق به سازمان جهانی تجارت، شکستن بن‌بست ایجاد شده در خصوص الحاق به این سازمان، افزایش قابلیت پیش‌بینی تجارت خارجی، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش مخاطرات سرمایه‌گذاری، می‌تواند در ترتیبات تجاری ترجیحی منطقه‌ای، از جمله با کشورهای غرب آسیا، مشارکت نماید.

ترتیبات تجاری ترجیحی میان کشورها لزوماً دارای نتایج یکسان و مشخصی نبوده‌اند، اما بررسی‌های اولیه در مورد برقراری چنین ترتیباتی میان ایران و کشورهای غرب آسیا و کاهش نرخ تعرفه‌ها در قسمت‌های تعرفه‌ای منتخب^۱، برای ایران دو نتیجه متفاوت دربر خواهد داشت. پیش‌بینی می‌شود کاهش تعرفه‌های متقابل میان ایران و کشورهای سوریه، عربستان سعودی، کویت، لبنان و یمن، تراز بازرگانی را به نفع ایران بهبود بخشد. اما کاهش تعرفه‌های متقابل با امارات متحده عربی، بحرین، عمان و قطر به زیان تراز تجاری ایران و به نفع این کشورها خواهد بود.

* پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. m.abedin@istr.org.ir

** پژوهشگر دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. mkamali1@yahoo.com

1. منظور از قسمت‌های تعرفه‌ای منتخب، قسمت‌های ۰۱، ۰۶، ۰۷، ۰۹-۱۱، ۱۸-۱۷ و ۲۰ می‌باشند که امکان بررسی آنها وجود داشته است.

مقدمه

برقراری ترتیبات تجاری ترجیحی میان کشورهای جهان در قالب موافقت‌نامه‌های یکپارچگی منطقه‌ای صورت می‌پذیرد. این موافقت‌نامه‌ها در اشکال مختلف آن صدها سال است که وجود دارند. توجه به منطقه‌گرایی در دهه‌های اخیر به نوعی حالت ادواری داشته به طوری که دو موج منطقه‌گرایی پس از جنگ جهانی دوم مورد شناسایی قرار گرفته است. تشکیل جامعه اقتصادی اروپا در دهه ۶۰ منجر به رونق و تمایل کشورهای در حال توسعه به منطقه‌گرایی شد. انگیزه اصلی نیز عمدتاً این بود که استراتژی صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات در یک مقیاس بزرگ‌تر اقتصادی پیاده شود. موافقت‌نامه‌های یکپارچگی منطقه‌ای در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ عموماً بسیار حمایت‌گرایانه و دخالت‌گرا بوده و عمدتاً با شکست مواجه شده‌اند (موج اول منطقه‌گرایی).

به این ترتیب در دهه ۱۹۸۰ تغییر نگرشی در خصوص تجارت بین‌الملل و رقابت بوجود آمد (موج دوم منطقه‌گرایی) و آزادسازی یک‌جانبه و در تکمیل آن موج جدیدی از موافقت‌نامه‌های یکپارچگی منطقه‌ای ایجاد شد. اتحادیه اروپا نقشی اساسی در جراحی مجدد این موافقت‌نامه‌ها از طریق آغاز مذاکره با کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و کشورهای جنوب مدیترانه و افزایش اعضا برای تشکیل منطقه تجارت آزاد داشت. در قاره آمریکا، نفتا و مرکوسور تشکیل شد و تلاش‌هایی برای ایجاد یک منطقه تجارت آزاد در قاره آمریکا انجام گرفت. در آسیا، آسه‌آن همکاری‌های ۲۵ ساله سیاسی خود را در سال ۱۹۹۲ با ایجاد یک منطقه تجارت آزاد گسترش داد. در آفریقا، کومسا و سادک ایجاد شد. همه این عوامل، جریان‌های منطقه‌گرایی در دهه ۱۹۹۰ را شکل داد به طوری که روند غالب این دهه را می‌توان منطقه‌گرایی دانست. بر اساس گزارش سازمان جهانی تجارت، روند منطقه‌گرایی بعد از پایان جنگ سرد شدت بیشتری پیدا کرد. اما این منطقه‌گرایی با منطقه‌گرایی بعد از جنگ جهانی دوم تفاوت اصولی دارد، به طوری که کشورها سعی می‌کنند در قالب سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی خود را تعریف کنند. هم‌اکنون جریان‌ات ادغام اقتصادی جهانی به گونه‌ای است که کشورها احساس می‌کنند برای ورود به اقتصاد

جهانی، ورود به پیمان‌های منطقه‌ای می‌تواند تسهیل‌کننده باشد. بدین ترتیب منطقه‌گرایی هم اکنون یکی از شاخص‌های کلیدی اقتصاد جهانی است که بر سیاست‌های اقتصادی در سطح ملی سیطره پیدا کرده است.^۱

بر همین اساس ایران نیز طی سال‌های اخیر این خواسته را مدنظر قرار داده که با پیوستن به اتحادیه‌های موجود و یا ایجاد همپیوندی‌های جدید مبادرت به توسعه روابط خود در منطقه نماید. بر این اساس در مقاله پیش‌رو با فرض تشکیل یک همپیوندی تجاری در غرب آسیا، در صدد پاسخگویی به این سؤال است که برقراری ترتیبات تجاری ترجیحی میان ایران و کشورهای مزبور در چه جهت و به چه میزانی خواهد بود؟

۱. مبانی نظری

۱-۱. تئوری‌های سنتی و جدید منطقه‌گرایی

تئوری‌های سنتی در بحث منطقه‌گرایی عمدتاً بر سه موضوع ایجاد تجارت، انحراف تجارت و رابطه مبادله (قیمت) در خصوص کالاهای اولیه متمرکز است. این تئوری‌ها صرفاً در خصوص تحلیل موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای بکار می‌رود که موانع تعرفه‌ای کالاهای اولیه را حذف کرده یا کاهش می‌دهند. این نوع منطقه‌گرایی موسوم به منطقه‌گرایی سنتی یا یکپارچگی سطحی^۲ است.

در مقابل، تئوری‌های منطقه‌گرایی جدید صرفاً به مکانیزم‌های تخصیص عوامل تولید (کاهش یا حذف بخشی از تعرفه‌های کالاهای اولیه) نمی‌پردازند، بلکه به ارتباط بین تجارت و بهره‌وری (تئوری‌های جدید رشد)، رقابت ناقص و رفتار رانت‌جویانه و همچنین موضوعات بحث‌انگیز منطقه‌گرایی در مقابل چند جانبه‌گرایی می‌پردازد.

۱-۲. همکاری‌های منطقه‌ای و مراحل یکپارچگی

همکاری‌های اقتصادی بین کشورها در مراحل مختلف صورت می‌گیرد که نشان‌دهنده درجه همکاری اقتصادی بین اعضاء است. اشکال همکاری را می‌توان به دو شکل عمده

1. WTO Secretariate, World Trade Report, Geneva (2003).

2. Shallow Integration.

تقسیم نمود:

الف - همکاری‌هایی که منجر به آزادی حرکت کالا، خدمات و عوامل تولید بین کشورهای عضو بشود.

ب - همکاری‌هایی که علاوه بر آزادی تجارت و عوامل تولید، همکاری در زمینه‌های سیاست پولی و مالی را نیز بوجود آورد.

یکپارچگی اقتصادی طی پنج مرحله اصلی گسترش می‌یابد که کاهش موانع تعرفه‌ای اولین مرحله آن می‌باشد. یک طرح یکپارچگی در نهایت ممکن است تا آنجا پیش رود که کشورهای عضو سیاست‌های اقتصادی مشترکی را اتخاذ نمایند. در واقع هر مرحله، علاوه بر آن که در برگیرنده مراحل قبل است، تسهیلات بیشتری را نیز برای همکاری بین کشورها فراهم می‌نماید. موافقت‌نامه تجاری ترجیحی، منطقه تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی مراحل مختلف یکپارچگی اقتصادی محسوب می‌شوند.

آمار نشان می‌دهد که شایع‌ترین نوع موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای را موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد^۱ تشکیل می‌دهند. این نوع موافقت‌نامه‌ها حدود ۷۰ درصد کل موافقت‌نامه‌ها را شامل می‌شوند. موافقت‌نامه‌های آزادسازی محدود^۲ (مانند موافقت‌نامه‌های ترجیحات تجاری) و همچنین اتحادیه‌های گمرکی^۳ بقیه موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند.

۲. مروری بر زمینه‌های تجربی موافقت‌نامه‌های تجاری ترجیحی

۲-۱. وضعیت فعلی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در جهان

یکی از راه‌های ایجاد اتحاد بین کشورها تأسیس اتحادیه‌های بازرگانی و اقتصادی منطقه‌ای و بین منطقه‌ای است. تا ماه مه سال ۲۰۰۴ (اردیبهشت ۱۳۸۳) بیش از ۳۰۰ موافقت‌نامه تجارت منطقه‌ای به گات و متعاقباً به سازمان جهانی تجارت اعلام شده که از این میان ۲۰۸ مورد در حال حاضر لازم‌الاجرا هستند.

1. Free Trade Agreement (FTA).
2. Partial Scope Agreement (PSA).
3. Customs Union (CU).

مطابق آخرین آمار منتشره از سوی دبیرخانه سازمان جهانی تجارت، در حال حاضر ۲۸ اتحادیه منطقه‌ای در جهان فعالیت می‌کنند که در مجموع بیش از ۲۰۰ کشور در آنها عضو هستند. در بین این ۲۸ اتحادیه، هفت اتحادیه در آسیا^۱، شش اتحادیه در اروپا^۲، شش اتحادیه در آمریکا^۳، سه اتحادیه در آفریقا^۴، سه موافقت‌نامه در اقیانوسیه^۵ و بقیه بین کشورهای مختلف در حال توسعه به صورت بین قاره‌ای منعقد شده‌اند^۶. مسلم است با اختلاف سطحی که بین میزان تولید و تجارت در مناطق مختلف جهان وجود دارد میزان تولید، تجارت و عملکرد اقتصادی اتحادیه‌های مختلف هم متفاوت است. ارقام ارزش صادرات درون منطقه‌ای (که از نسبت تجارت بین اعضا بر تجارت کل اعضا با دنیا بدست می‌آید) اتحادیه‌های ۴ قاره در ۲۰ سال گذشته نشان می‌دهد اتحادیه‌های منطقه‌ای عمدتاً از سال ۱۹۸۰ به تدریج سهم بیشتری از صادرات جهان را بدست آورده‌اند. اطلاعات و آمار تجاری نیز در ظاهر حاکی از افزایش تجارت درون منطقه‌ای این اتحادیه‌ها و در نتیجه ایجاد تجارت است، اما تجزیه و تحلیل دقیق‌تر داده‌ها لزوماً بیانگر ایجاد تجارت در این مناطق نیست.

بررسی سهم صادرات درون منطقه‌ای برخی از مهمترین اتحادیه‌های اقتصادی جهان، نشان‌دهنده آن است که طی ۲۰ سال گذشته سهم صادرات درون منطقه‌ای این اتحادیه‌ها به‌عنوان درصدی از کل صادرات بلوک‌های اقتصادی مزبور اغلب رقم بالایی داشته،

1. اتحادیه اقتصادی شرق آسیا، جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، منطقه تجارت ترجیحی جنوب آسیا، منطقه تجارت آزاد آسه‌آن، سازمان همکاری‌های اقتصادی، شورای همکاری خلیج فارس، موافقتنامه بانکوک.
2. جامعه اروپا، اتحادیه تجارت آزاد اروپا، منطقه تجارت آزاد بالتیک، موافقتنامه تجارت آزاد اروپای مرکزی، اتحادیه پولی و اقتصادی اروپای مرکزی و منطقه اقتصادی اروپا.
3. بازار مشترک آمریکای مرکزی، جامعه آند، جامعه کشورهای حوزه دریای کارائیب، اتحادیه بکارچگی آمریکای لاتین، بازار مشترک جنوب، موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی.
4. بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا، جامعه شرق آفریقا و اتحادیه پولی و اقتصادی غرب آفریقا.
5. موافقت‌نامه روابط اقتصادی نزدیکتر، همکاری‌های اقتصادی و تجاری منطقه جنوب اقیانوس آرام، گروه کشورهای ملانزی.
6. نظام جهانی ترجیحات تجاری، پروتکل مربوط به مذاکرات تجاری بین کشورهای در حال توسعه و موافقتنامه سه جانبه هند، مصر و یوگسلاوی.

به طوری که بیش از ۶۰ درصد صادرات اتحادیه اروپا و یا بیش از نیمی از صادرات نفتا بین اعضای این اتحادیه‌ها صورت پذیرفته است. با این وجود سهم صادرات درون منطقه‌ای اتحادیه اروپا در طول ۳۰ سال گذشته تقریباً رقمی ثابت بوده ولی در مورد نفتا این رقم افزایش خوبی نشان می‌دهد. در حالی که وضعیت مرکوسور متفاوت بوده و به نوعی استثنایی عمل کرده، چرا که درست پس از تشکیل این اتحادیه سهم صادرات درون منطقه‌ای ناگهان افزایش خوبی داشته است.

۲-۲. بررسی وضعیت کنونی کشورهای غرب آسیا در موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای

کشورهای غرب آسیا مشابهت‌های فرهنگی، زبانی، قومی و مذهبی زیادی با یکدیگر دارند. با این وجود تفاوت‌های زیادی هم بین آنها وجود دارد. به طوری که کشورهای مورد بررسی (امارات متحده عربی، بحرین، سوریه، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان و یمن)، از منابع طبیعی و سطح زندگی متفاوتی برخوردار هستند، اما در مجموع حدود ۸۰ درصد تجارت این کشورها در اختیار کشورهای صنعتی و آسیایی قرار دارد.

این کشورها عمدتاً در دو اتحادیه نظام جهانی ترجیحات تجاری (GSTP) و شورای همکاری خلیج فارس (GCC) عضویت دارند.^۱ برخی از آنها نیز موافقت‌نامه‌های دو جانبه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا، اتحادیه تجارت آزاد اروپا و بعضاً ایالات متحده آمریکا برقرار کرده‌اند، هر چند که کشور یمن عضو هیچ موافقت‌نامه تجارت منطقه‌ای نمی‌باشد. در زیر مروری اجمالی به وضعیت اتحادیه‌های فوق‌الذکر خواهیم داشت.

نظام جهانی ترجیحات تجاری بین کشورهای در حال توسعه از جمله طرح‌هایی است که این دسته کشورها از ابتدای بنیانگذاری انکتاد، در جهت توسعه همکاری‌های اقتصادی بین خود دنبال می‌کردند. موضوع تأسیس این نظام برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ و در جریان چهارمین نشست ادواری انکتاد مطرح و پس از چندین سال بررسی در آوریل ۱۹۸۸

۱. برخی از این کشورها در سازمان‌ها، اتحادیه‌ها یا موافقت‌نامه‌های دیگری نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، بازار مشترک عربی، اتحادیه عرب، اتحادیه مغرب عربی و موافقت‌نامه بزرگتر تجارت آزاد عربی عضویت دارند، اما به دلیل ماهیت غیر تجاری و عمدتاً سیاسی برخی و لازم‌الاجرا نشدن برخی دیگر از موافقت‌نامه‌های تجاری، نام آنها در آخرین فهرست موافقت‌نامه‌های تجاری سازمان جهانی تجارت قرار نگرفته است.

در بلگراد نهایی گردید که به موجب آن امتیازاتی بین اعضا مبادله شد. امتیازات متبادله مزبور هم‌اکنون معتبر بوده و اعضا می‌توانند از آنها منتفع شوند. ترجیحات تجاری در این سیستم جنبه متقابل و چند جانبه پیدا می‌کنند؛ به عبارت دیگر اصل دولت کامله‌الوداد بین آنها جاری است. دور دوم مذاکرات کالا به کالا در چارچوب GSTP در سال ۱۹۹۴ آغاز گردید. طرح مزبور به دلیل این که هم در میزان کاهش تعرفه‌ها (از ۵ تا ۲۰ درصد) و هم از نظر پوشش کالایی ضعیف است، لذا چندان مورد توجه کشورهای در حال توسعه نمی‌باشد.

شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ با عضویت شش کشور عربی شامل بحرین، عمان، امارات متحده عربی، کویت، قطر و عربستان سعودی با هدف نیل به یک همکاری اقتصادی منطقه‌ای از طریق حذف موانع تجاری و آزادسازی تجارت کالا، خدمات، نیروی انسانی و سرمایه بین اعضا ایجاد شد. در حال حاضر اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس از اول ژانویه ۲۰۰۳ به اجرا درآمده که مطابق آن یک تعرفه مشترک خارجی ۵ درصدی را جایگزین تعرفه‌های قبلی (که بین ۴ تا ۱۵ درصد بودند) و بر عمده محصولات خود وضع نموده‌اند.

ارزش تجارت درون منطقه‌ای این شورا از زمان تشکیل تا کنون به حدود ۲ برابر افزایش یافته و از ۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به نزدیک ۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ رسیده است. اما این رقم در طول ۲۰ سال گذشته در بهترین شرایط از ۸ درصد کل تجارت تجاوز نکرده و به‌طور متوسط حدود ۵ درصد کل تجارت را تشکیل داده است. در مجموع، اگرچه سطح همکاری بین اعضای شورا گسترده‌تر شده، اما کمکی به ارتقاء جدی تجارت درون منطقه‌ای نکرده است.

لازم به ذکر می‌باشد که ایران با هیچ یک از کشورهای مورد بررسی عضو مشترک اتحادیه نبوده و تاکنون نیز موافقت‌نامه ترجیحی یا تجارت آزاد با آنها منعقد ننموده است.

۳. مروری بر مطالعات انجام شده

در زمینه همگرایی‌های اقتصادی مطالعات گوناگونی انجام شده، اما آنچه که در این

بررسی مدنظر می‌باشد، مطالعاتی هستند که عضویت کشورهای غرب آسیا را مورد توجه قرار داده باشند.

در سال ۲۰۰۰ مطالعه‌ای توسط دو تن از کارشناسان صندوق^۱ به منظور اندازه‌گیری تجارت بین منطقه‌ای ۱۹ کشور عربی شامل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای حوزه مغرب عربی، کشورهای منتخب مشرق عربی و سایر کشورهای عربی انجام گرفت. ایشان در این مطالعه با استفاده از مدل جاذبه^۲، میزان تجارت بین منطقه‌ای این کشورها را اندازه‌گیری نموده و نتیجه گرفتند که هم تجارت این کشورها با سایر کشورهای دنیا و هم تجارت بین منطقه‌ای آنها بسیار کمتر از حد مورد انتظار است. به‌طور مشخص تجارت بین منطقه‌ای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و تجارت بین منطقه‌ای کشورهای مغرب عربی در سطح پایینی قرار دارد، هرچند که کشورهای منتخب مشرق عربی از سطح تجارت بین منطقه‌ای بالاتری برخوردارند.

مطالعه دیگری با همکاری مشترک بانک جهانی، دانشگاه کلرادو و دانشگاه کارولینای جنوبی در خصوص ارزیابی کمی موافقت‌نامه تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و کشورهای عربی حوزه مدیترانه انجام گرفته است.^۳

این مطالعه تأثیر مجموع عوامل یاد شده بر رفاه جامعه و اثرات آن بر تولید و اشتغال بخش‌های اقتصادی را اندازه‌گیری کرده و نتیجه می‌گیرد که کشورهای عربی از قبل این موافقت‌نامه در هر سال به میزان ۳ تا ۵ درصد تولید ناخالص داخلی خود سود برده و انتظار می‌رود در بلندمدت توسعه صنایع سبک‌کاربر مثل پوشاک و منسوجات و همچنین خدمات اولیه گردشگری و نفت و گاز طبیعی مورد انتظار خواهد بود. در پایان این مطالعه پیش‌بینی شده اگر آزادسازی‌های گسترده تعرفه‌ای (بصورت یک‌جانبه) در موافقت‌نامه‌های دوجانبه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا اتفاق بیفتد می‌تواند منجر به سیاست‌گذاری‌هایی شود که اثرات رفاهی زیادی برای کشورهای عربی دربر خواهد داشت.

در مطالعه دیگری که توسط دانشگاه کالیفرنیا جنوبی صورت گرفت، با مروری بر

-
1. Al-Atrash & Tariq (2000).
 2. Gravity Model.
 3. Thomas F. Rutherford & et al (1999).

آخرین بررسی‌های انجام یافته و با استفاده از مدل جاذبه میزان توان بالقوه تجارت کشورهای حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا^۱ را اندازه‌گیری می‌کند^۲. مهمترین یافته‌های این تحقیق به شرح زیر است: بر اساس مدل جاذبه شواهدی وجود دارد که جریان تجاری فعلی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به خصوص با اتحادیه اروپا، نفتا و تجارت درون منطقه‌ای این کشورها از آنچه که توان بالقوه این منطقه است کمتر می‌باشد، اما در عوض تجارت آنها با سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) از میزان مورد انتظار بیشتر است.

عوامل مهم کم‌بودن جریان تجاری، تا حد زیادی به وجود منابع طبیعی مثل گاز و نفت در برخی از این کشورها، عدم وجود ساختارهای مناسب مخابراتی، نرخ‌های بالای تعرفه، سیاست‌های کنترل شدید نرخ ارز و کاهش قیمت نفت نسبت داده شده است.

تنها با کاهش هزینه‌های معامله و موانع تجاری بین کشورهای منطقه می‌توان کاهش تجارت منطقه را جبران کرد. شواهد قوی وجود دارد که ترتیبات تجاری منطقه‌ای نظیر اتحادیه مغرب عربی، بازار مشترک عربی و شورای همکاری خلیج فارس که در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا فعالیت می‌کنند نقشی در افزایش تجارت منطقه نداشته‌اند.

۴. روش‌شناسی (متدولوژی) تحقیق

فرآیندی که به‌عنوان روش بررسی آثار برقراری ترتیبات تجاری میان ایران و کشورهای غرب آسیا، عمدتاً با دید تأثیر بر بخش بازرگانی خارجی ایران مبنای عمل قرار گرفته، در نهایت روابط محاسباتی نسبتاً ساده‌ای را ارائه می‌دهد.

الگوی مورد استفاده، از حساسیت تقاضای واردات نسبت به تغییر (با نگرش کاهش) در هزینه مبادله آغاز می‌نماید. با توجه به ادبیات کلاسیک اقتصاد، در مورد کالاهای معمولی انتظار می‌رود، با کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، تقاضای کالاها افزایش یابد. قانون مزبور در مورد کاهش قیمت تک‌تک کالاها نیز صادق می‌باشد. اما هنگامی که قیمت کالایی به صورت یک‌جانبه و بدون کاهش قیمت کالاها مشابه (جانشین) تغییر یابد، علاوه بر تأثیر

1. Middle East and North Africa (MENA) Region.

2. Jeffrey B. Nugent (2002).

مستقیم و اولیه آن بر تقاضا، این امر باعث خواهد شد در تأثیر ثانویه، مشتریان با جانشین نمودن مصرف کالای ارزانتر به جای کالای گرانتر، تقاضای آن را بیش از پیش افزایش دهند. زمانی که بحث مزبور در قالب تجارت بین‌المللی صورت می‌پذیرد، از تأثیر اولیه به عنوان "ایجاد تجارت" یاد می‌شود و تأثیر ثانویه نام "انحراف تجارت" به خود می‌گیرد. ضروری است مفهوم عبارات یاد شده به صراحت تشریح شوند.

ایجاد تجارت - افزایش در واردات کشور کاهش‌دهنده تعرفه از شریک تجاری آن که ناشی از کاهش قیمت نسبی واردات از شریک تجاری در مقابل کالاهای داخلی باشد، میزان تجارت ایجاد شده است.

انحراف تجارت - افزایش در واردات کشور کاهش‌دهنده تعرفه از شریک تجاری آن که ناشی از کاهش قیمت نسبی واردات از شریک تجاری در مقابل سایر شرکای تجاری باشد، میزان تجارت منحرف شده است. در این حالت فرض بر آن است که کل واردات کشور کاهش‌دهنده تعرفه تغییر ننموده و صرفاً توزیع جغرافیایی آن تغییر می‌نماید.

در ادامه بحث، روش‌های مقداری مورد استفاده به منظور برآورد میزان تجارت ایجاد شده و منحرف شده ایران با کشورهای غرب آسیا که ناشی از برقراری ترتیبات تجاری ترجیحی (کاهش نرخ تعرفه) باشد، ارائه می‌شوند.

رابطه مورد استفاده جهت محاسبه مقدار مطلق افزایش در واردات ناشی از تغییر در نرخ تعرفه کالاهای وارداتی ایران از کشورهای غرب آسیا (و به‌طور معکوس) که حاصل برقراری موافقت‌نامه ترتیبات تجاری ترجیحی خواهد بود، عبارت است از:

$$TC_{ij} = \Delta M_{ij} = Em_{ij} \times M_{ij} \times \frac{T_{ij1} - T_{ij0}}{1 + T_{ij0}} \quad (1)$$

آنچنان که مشاهده می‌شود، با در اختیار داشتن کشش تقاضای واردات کالای خاص از شریک تجاری (Em_{ij})، مقدار واردات کالای مزبور از شریک تجاری در سال مبنا (M_{ij}) و نرخ تعرفه کالا (پیش از برقراری موافقت‌نامه (T_{ij0}) و پس از آن (T_{ij1}))، محاسبه تجارت ایجاد شده به سهولت امکانپذیر خواهد بود.

رابطه مورد استفاده جهت محاسبه میزان انحراف تجارت به شکل ذیل خواهد بود:

$$TD_i = \Delta M_{ij} = Es_i \times \frac{M_{ij} \times M_{ir}}{M_i} \times \frac{T_{ij1} - T_{ij0}}{1 + T_{ij0}} \quad (2)$$

رابطه محاسباتی انحراف در تجارت نیز با در اختیار داشتن کشش تقاضای جانشینی واردات (Es_i)، مقدار واردات کالای مزبور از شریک تجاری (M_{ij}) و سایر دنیا در سال مبنا (M_{ir}) و نرخ تعرفه کالا (پیش از برقراری موافقتنامه (T_{ij0}) و پس از آن (T_{ij1}))، امکانپذیر خواهد بود.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که روابط محاسبه شده صرفاً وقتی قابل استفاده‌اند که کشش صادرات بی‌نهایت باشد یا به عبارت دیگر تقاضای کشور واردکننده به قدری کوچک باشد که بر قیمت جهانی صادرات آن کالا بی‌تأثیر باشد و در این تحقیق اینگونه فرض شده است.

در مقاله حاضر رابطه (۱) جهت برآورد میزان تجارت ایجاد شده و رابطه (۲) جهت برآورد میزان تجارت منحرف شده در صورت برقراری ترتیبات تجاری ترجیحی در غرب آسیا مورد استفاده قرار گرفته است.

در نهایت متذکر می‌شود تقاضای واردات در دو سوی یکی تقاضای ایران برای کالاهای صادراتی کشورهای غرب آسیا و دیگری تقاضای وارداتی کشورهای غرب آسیا برای کالاهای صادراتی ایران مدنظر قرار می‌گیرد. تأثیر بر واردات به طور مستقیم و با استفاده از روش مزبور محاسبه می‌شود، اما تأثیر بر صادرات به طور غیرمستقیم و در واقع معادل تأثیر بر واردات کشورهای غرب آسیا از ایران ارزیابی می‌شود. آنچه که به‌عنوان هزینه مبادله در محاسبات مورد استفاده قرار می‌گیرد، در واقع همان قیمت کالاهای وارداتی می‌باشد که تعرفه را نیز دربردارد.

۵. داده‌ها

اطلاعات مورد استفاده در این بررسی سالیانه بوده و دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۹۷ را شامل می‌شود. اطلاعات خام از لوح‌های فشرده که توسط سازمان‌های بین‌المللی و یا دستگاه‌های داخلی منتشر شده‌اند، بدست آمده و مورد پردازش قرار گرفته‌اند.

کشش‌های قیمتی خودی (Em) و جانشینی (Es) واردات در سه سطح کل واردات، بخش‌های اقتصادی (کشاورزی و غیرکشاورزی) و قسمت‌های ۲۲ گانه طبقه‌بندی تعرفه‌ها در سیستم هماهنگ (HS)، برای واردات ایران از کشورهای غرب آسیا و واردات این کشورها از ایران برآورد شده‌اند.

نتیجه برآوردها در سطح قسمت‌های ۲۲ گانه تعرفه‌ای، ترکیبی از پاسخ‌های موردانتظار و خلاف انتظار را در هر دو مورد کشش‌های خودی و جانشینی واردات، بدست دادند. به منظور دستیابی به برآوردی قابل قبول جهت محاسبه تأثیر انعقاد موافقتنامه تریبات تجاری ترجیحی بر بازرگانی میان دو طرف، برآوردهای دارای علامت خلاف انتظار (مثبت)، حذف شدند که در نهایت تأثیر کاهش تعرفه میان ایران و عمده کشورهای غرب آسیا در قسمت‌های تعرفه‌ای ۰۱، ۰۶، ۰۷، ۱۱-۰۹، ۱۸-۱۷ و ۲۰ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. ارقام تجارت ایران با کشورهای غرب آسیا مندرج در سالنامه آمار بازرگانی کشور در سال ۱۳۸۰ (معادل سال ۲۰۰۱ میلادی)، مبنای محاسبات قرار گرفته‌است. با استفاده از آمارنامه مزبور ارقام واردات ایران از کشورهای غرب آسیا به تفکیک قسمت‌های ۲۲ گانه بدست آمد. اما به جای ارقام واردات کشورهای غرب آسیا از ایران، آمار صادرات ایران به این کشورها جایگزین شد (جداول ۲۱).

آمار تعرفه اعمالی بر واردات از کشورهای غرب آسیا (و جهان) توسط ایران از کتاب قانون و مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۰ استخراج شده است. نرخ تعرفه اعمالی بر واردات کشورهای غرب آسیا، از آمار منتشرشده توسط سازمان جهانی تجارت بدست آمد. اما از آنجایی که نرخ‌های مربوط به طور یکسان و برای یک سال مشخص در دسترس نبوده، آمار نرخ‌های تعرفه‌ای مربوط به آخرین سالی که قابل کسب بودند (دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲ را دربرمی‌گیرد)، مورد استفاده قرار گرفته است. برای محاسبه تعرفه ثانویه، دو سناریو به صورت کاهش سراسری تعرفه‌ها در نظر گرفته شده است (جداول ۲۱). در سناریوی نخست فرض می‌شود پس از امضای موافقت‌نامه، تمام تعرفه‌ها ۱۰ درصد کاهش یابند.

جدول ۱- کشش قیمتی و مجموع واردات و متوسط نرخ تعرفه کشورهای غرب آسیا

(دلار/درصد)

واردات از جهان	واردات از ایران (صادرات ایران به)	تعرفه اولیه	کشش قیمتی جانمایی واردات	کشش قیمتی واردات	قسمت‌های تعرفه‌ای*
5,180,025,000	14,612,616	18.6	-2.063	-1.846	01
9,706,774,000	247,537,863	18.6	-	-	02
1,504,007,000	1,908,655	18.6	-	-	03
7,483,685,000	26,728,238	18.6	-	-	04
10,613,323,000	273,618,565	12.6	-	-	05
11,213,343,000	97,730,816	12.6	-3.082	-2.409	06
5,784,600,000	55,077,335	12.6	-1.410	-1.163	07
553,788,000	1,081,469	12.6	-	-	08
2,198,831,000	7,632,908	12.6	-2.021	-1.917	09
3,177,630,000	3,739,632	12.6	-2.046	-1.208	10
10,667,756,000	138,647,139	12.6	-2.766	-1.663	11
963,006,000	22,915,655	12.6	-	-	12
2,429,378,000	54,983,988	12.6	-	-	13
3,650,168,000	1,527,501	12.6	-	-	14
11,426,297,000	129,959,654	12.6	-	-	15
35,759,850,000	44,466,086	12.6	-	-	16
20,180,992,000	38,282,985	12.6	-0.180	-0.500	17
3,797,633,000	1,862,637	12.6	-0.527	-0.639	18
569,531,000	11,074,461	12.6	-	-	19
2,506,447,000	4,120,128	12.6	-2.459	-2.230	20
50,199,000	107,832	-	-	-	21
1,918,450,000	-	-	-	-	سایر
152,275,479,000	1,177,493,989	-	-	-	مجموع

* تعرفه‌های درشت و ایتالیك، تعرفه‌های منتخب می‌باشند.

منابع: ۱. کشش‌های قیمتی، یافته‌های پژوهش‌اند.

۲. تعرفه وارداتی، از آمارهای منتشره سازمان جهانی تجارت بدست آمده‌اند.

۳. واردات، نتیجه پردازش اطلاعات بدست آمده از نرم‌افزار اطلاعاتی PCTAS می‌باشند.

در سناریوی دوم فرض می‌شود تعرفه متقابل میان کشورهای مورد بررسی به طور کامل حذف گردد. به عبارت دیگر فرض می‌شود میان ایران و کشورهای غرب آسیا تجارت آزاد برقرار شود. در ادامه، با استفاده از آمار حاصله از منابع یادشده، پردازش اطلاعات و انجام برآوردهای لازم، نتایج مقداری تأثیر امضای احتمالی یک موافقت‌نامه ترتیبات تجاری ترجیحی بر بازرگانی میان ایران و کشورهای غرب آسیا محاسبه و تحلیل خواهد شد.

جدول ۲- کشش قیمتی و مجموع واردات و متوسط نرخ تعرفه ایران - سال ۱۳۸۰

(دلار/درصد)

قسمتهای تعرفه‌ای*	کشش قیمتی واردات	کشش قیمتی جانشینی واردات	تعرفه اولیه	واردات از کشورهای غرب آسیا	واردات از جهان
01	-1.338	-0.893	16.22	7,779,632	105,182,736
06	-1.338	-0.893	11.00	206,201,471	1,875,001,932
07	-1.338	-0.893	16.50	89,007,083	823,938,601
09	-1.338	-0.893	18.00	5,726,754	56,860,770
10	-1.338	-0.893	13.50	96,429,280	431,568,444
11	-1.338	-0.893	74.50	73,347,503	495,077,609
17	-1.338	-0.893	23.00	218,257,047	1,726,207,755
18	-1.338	-0.893	8.50	65,642,871	516,221,298
20	-1.338	-0.893	39.00	8,269,933	36,580,595
مجموع	-	-	-	1,990,543,643	17,646,532,532

* تعرفه‌های درشت و ایتالیك، تعرفه‌های منتخب می‌باشند.

منبع: همان

۶. تعیین آثار بازرگانی برقراری موافقت‌نامه ترتیبات تجاری ترجیحی میان ایران و کشورهای غرب آسیا

۶-۱. تأثیر بر صادرات ایران به کشورهای غرب آسیا در کدهای منتخب

سناریوی نخست - کاهش ده درصدی و تبعیض آمیز نرخ‌های تعرفه کشورهای مورد بررسی (صرفاً بر کالاهای وارداتی از ایران)، در مجموع موجب افزایش صادرات ایران به میزان ۱۱ میلیون دلار می‌گردد. این در حالی است که انحراف در واردات کشورهای غرب آسیا از ایران به جای سایر کشورهای جهان، معادل ۶/۲۶ میلیون دلار برآورد گردیده است (جدول ۳).

به‌طور کلی در سناریوی نخست، افزایش صادرات ایران به کشورهای غرب آسیا در کدهای منتخب معادل ۳/۷۹ درصد خواهد بود که ۲/۱ درصد آن ناشی از انحراف تجارت این کشورهاست. سهم افزایش تجارت حاصله به نسبت کل واردات کشورهای غرب آسیا

از جهان رقم ناچیز ۰/۰۲۰ درصد بوده و به‌طور مشابه، میزان انحراف تجارت ایجادشده نیز بسیار اندک و در حد ۰/۰۱۱ درصد است.

سناریوی دوم - حذف کامل تعرفه‌های وارداتی کشورهای غرب آسیا بر واردات از ایران، سبب خواهد شد تا حداکثر به میزان ۴۷/۵۹ میلیون دلار بر حجم کل صادرات ایران به این کشورها افزوده شود. با در نظر گرفتن رقم حداکثر انحراف تجاری که در این حالت به میزان ۶۲/۵۹ میلیون دلار روی می‌دهد، درصد افزایش صادرات ایران نسبت به ارزش آن در سال ۱۳۸۰ معادل ۳۷/۸۹ درصد خواهد بود. سهم مزبور از کل واردات جهانی کشورهای منتخب در این سال (سال ۲۰۰۱ به‌عنوان معادل سال ۱۳۸۰ در نظر گرفته شده است)، در حد ۰/۱۹۹ درصد محدود می‌شود که البته ۰/۱۱۳ درصد نیز انحراف تجاری روی خواهد داد. بررسی سهم کشورهای غرب آسیا در جذب صادرات ایجاد شده نیز وضعیت مشابهی را به نمایش می‌گذارد، به‌گونه‌ای که ۶۲/۲ درصد از افزایش صادرات ایران تنها توسط یک کشور، امارات متحده عربی، جذب خواهد شد. عربستان سعودی با اختلافی چشمگیر در مقام بعدی قرار گرفته و ۲۰/۵ درصد از افزایش صادرات را جذب خواهد نمود. رتبه‌بندی گروه‌های کالایی به‌لحاظ سهم از انحراف تجارت، نشان می‌دهد ترتیب کالاها دقیقاً مانند رتبه آنها در تأثیر بر ایجاد تجارت است. هرچند رتبه‌بندی مزبور در مورد کشورها اندکی متفاوت است، لیکن در مورد دو کشور نخست تغییر رتبه‌ای ایجاد نمی‌شود (جدول ۳).

۶-۲. تأثیر بر واردات ایران از کشورهای غرب آسیا در کدهای منتخب

در این مورد نیز، کشورها و گروه‌های کالایی منتخب در قسمت قبل، برای تحلیل نتایج مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ همانطور که تأثیرات در قالب دو سناریو برای کاهش ده درصدی و صد درصدی تعرفه‌ها انجام گرفت.

سناریوی نخست - ده درصد کاهش در نرخ تعرفه اعمالی ایران بر واردات از کشورهای غرب آسیا به شکلی تبعیض آمیز، به ۳/۲۹ درصد افزایش در واردات ایران از این کشورها می‌انجامد. البته این نکته یادآوری می‌شود که بررسی صرفاً بر روی ۹ قسمت ۰۱، ۰۶-۰۷، ۰۹-۱۱ و ۱۷-۱۸ و ۲۰ که کشش‌های مربوطه قابل برآورد بوده، صورت گرفته است. معادل ۱/۲۲ درصد از افزایش در واردات ایران، ناشی از ایجاد تجارت و مابقی ناشی از جایگزینی

کشورهای غرب آسیا به جای سایر مبادی وارداتی ایران می‌باشد. هنگامی که کل واردات ایران از جهان مدنظر قرار می‌گیرد، درصد تغییر در واردات معادل $0/42$ درصد خواهد بود. سناریوی دوم - ده برابر شدن کاهش در نرخ‌های تعرفه وارداتی در مقابل سناریوی نخست، مقدار مطلق تجارت ایجاد شده را نیز به ده برابر افزایش می‌دهد، همان‌طور که مقدار مطلق در انحراف تجاری نیز ده برابر خواهد شد. در این حالت میزان افزایش در واردات ایران و انحراف آن از سایر مبادی به سمت واردات از کشورهای غرب آسیا به ترتیب معادل $158/8$ و 93 میلیون دلار خواهد بود که در مقام مقایسه با مجموع واردات ایران از این کشورها، افزایش $32/8$ درصدی را به نمایش می‌گذارد. هرچند که $12/1$ درصد آن ناشی از انحراف در تجارت بوده است.

همان‌طور که تشریح گردید، آزادسازی کامل واردات ایران از کشورهای غرب آسیا در قسمت‌های تعرفه‌ای معین، منجر به $4/15$ درصد افزایش در کل واردات ایران از جهان خواهد انجامید.

تجزیه آمار و ارقام بدست آمده به تفکیک کشوری نشان‌دهنده آن است که امارات متحده عربی بیشترین نفع را از کاهش تعرفه‌های ایران نصیب خود می‌سازد، به طوری که $87/4$ درصد از افزایش در واردات ایران، به سبب رشد واردات از این کشور است. این کشور در جذب افزایش صادرات ایران نیز بالاترین مقام را نصیب خود نموده، لیکن جایگاه آن در افزایش واردات ایران بسیار چشمگیر می‌باشد. به طوری که کشورها با اختلاف نسبتاً زیادی پس از امارات قرار گرفته‌اند و در میان آنها عربستان سعودی با کسب مقام دوم در این زمینه، تنها $7/4$ درصد از افزایش واردات ایران نفع می‌برد.

جدول ۳- اثر برقراری ترتیبات تجاری ترجیحی بر صادرات ایران به کشورهای غرب آسیا به تفکیک کشوری (دلار)

کشور	رتبه	سناریوی نخست (کاهش ۱۰ درصدی نرخ تعرفه)			سناریوی دوم (کاهش ۱۰۰ درصدی نرخ تعرفه)			درصد سهم از	
		افزایش صادرات	انحراف در واردات اعراب	جمع تغییر	افزایش صادرات	انحراف در واردات اعراب	جمع تغییر	افزایش صادرات	انحراف در واردات
	(1)	(2)	(3)	(4)=(2)+(3)	(5)	(6)	(7)=(5)+(6)	(8)	(9)
امارات متحده عربی	1	2,868,770	3,890,778	6,759,548	28,687,697	38,907,782	67,595,479	60.3	62.2
بحرین	7	70,320	100,364	170,684	703,200	1,003,637	1,706,837	1.5	1.6
سوریه	3	347,422	277,372	624,794	3,474,220	2,773,718	6,247,938	7.3	4.4
عربستان سعودی	2	948,329	1,281,800	2,230,129	9,483,293	12,818,001	22,301,293	19.9	20.5
عمان	9	10,738	15,676	26,414	107,376	156,763	264,140	0.2	0.3
قطر	8	52,387	74,769	127,156	523,871	747,688	1,271,559	1.1	1.2
کویت	4	255,968	335,633	591,601	2,559,679	3,356,327	5,916,005	5.4	5.4
لبنان	5	102,661	160,343	263,004	1,026,614	1,603,426	2,630,041	2.2	2.6
یمن	6	102,529	122,123	224,652	1,025,295	1,221,228	2,246,522	2.2	2.0
جمع		4,759,125	6,258,857	11,017,982	47,591,246	62,588,570	110,179,815		
			صادرات ایران به اعراب		290,815,039				
			صادرات ایران به جهان		23,904,000,000				
			واردات اعراب منتخب از جهان		55,242,846,000				
نسبت به صادرات ایران به اعراب		1.64	2.15	3.79	16.36	21.52	37.89		
نسبت به صادرات ایران به جهان (درصد)		0.02	0.03	0.05	0.20	0.26	0.46		
نسبت به واردات اعراب از جهان (درصد)		0.009	0.011	0.020	0.086	0.113	0.199		

جدول ۴- اثر برقراری ترتیبات تجاری ترجیحی بر واردات کالاهای منتخب از کشورهای غرب آسیا منتخب به تفکیک کشوری (دلار)

کشور	رتبه در افزایش واردات	رتبه در انحراف واردات	سناریوی اول (کاهش ۱۰ درصدی نرخ تعرفه)			سناریوی دوم (کاهش ۱۰۰ درصدی نرخ تعرفه)			درصد سهم از	
			جمع تغییر	انحراف در واردات	افزایش واردات	جمع تغییر	انحراف در واردات	افزایش واردات	انحراف در واردات	افزایش واردات
	(1)	(2)	(3)	(4)	(5)=(3)+(4)	(6)	(7)	(8)=(6)+(7)	(9)	(10)
امارات متحده عربی	1	1	14068897	8221923	22290820	140688971	81162669	221851640	88.6	87.4
بحرین	8	8	111531	71173	182703	1115307	711726	1827034	0.7	0.8
سوریه	11	11	15338	10240	25578	153381	102402	255783	0.1	0.1
عربستان سعودی	2	2	1062978	696737	1759715	10629779	6967369	17597148	6.7	7.4
عمان	7	7	121877	80932	202809	1218767	797490	2016257	0.8	0.9
قطر	9	9	102702	68454	171156	1027016	680657	1707673	0.6	0.7
کویت	4	4	273231	176570	449801	2732308	1761031	4493339	1.7	1.9
لبنان	6	6	125470	83476	208945	1254696	834755	2089452	0.8	0.9
یمن	12	12	0	0	0	0	0	0	0.0	0.0
جمع			15882023	9409505	25291527	158820226	93018100	251838325		
واردات ایران از اعراب							768,150,308			
واردات منتخب ایران از جهان							6,066,639,740			
نسبت به واردات ایران از اعراب (درصد)			2.07	1.22	3.29	20.68	12.11	32.79		
نسبت به واردات ایران از جهان (درصد)			0.26	0.16	0.42	2.62	1.53	4.15		

منبع: یافته‌های پژوهش

جمع‌بندی و ملاحظات

جمع‌بندی

ایران و کشورهای غرب آسیا عمدتاً در دو اتحادیه منطقه‌ای شورای همکاری‌های خلیج فارس (GCC) و نظام جهانی ترجیحات تجاری (GSTP) عضویت دارند. بررسی اجمالی آنها نشان داد که اتحادیه‌های مزبور چندان در افزایش تجارت منطقه‌ای مؤثر نبوده‌اند. برخی از آنها نیز موافقت‌نامه‌های دو جانبه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا، اتحادیه تجارت آزاد اروپا و بعضاً ایالات متحده آمریکا برقرار کرده‌اند. موافقت‌نامه‌های دو جانبه تجارت آزاد کشورهای غرب آسیا با اتحادیه اروپا عمدتاً در سال‌های ابتدایی تأسیس، جنبه متقابل نداشته و بصورت یکجانبه از سوی اروپا به این کشورها امتیازات تعرفه‌ای داده می‌شد. اما موافقت‌نامه‌های مزبور اخیراً بصورت مدت‌دار جنبه متقابل پیدا کرده و کشورهای مثل الجزایر، مصر و سوریه در آینده امتیازات متقابلی به اروپا اعطا خواهند کرد و کشور یمن نیز عضو هیچ موافقت‌نامه تجارت منطقه‌ای نمی‌باشد. در مجموع این موافقت‌نامه‌ها بدلیل سطح نازل روابط اقتصادی، اثر تجاری قابل ملاحظه‌ای نداشته‌اند.

بررسی تأثیر برقراری ترتیبات تجاری ترجیحی (با دید کاهش نرخ‌های تعرفه‌ای) بر بازرگانی دو طرف که با استفاده از کتس‌های برآوردی صورت پذیرفت، نشان می‌دهد این امر بر توسعه بازرگانی دوجانبه دارای آثار مثبتی خواهد بود. هرچند با اجرای موافقت‌نامه ترجیحات تجاری میان ایران و غرب آسیا، ایران با تغییر منفی در تراز تجاری مواجه خواهد شد. ضمن آنکه میزان انحراف به وجود آمده در واردات غرب آسیا از ایران (صادرات ایران به غرب آسیا)، بیش از افزایش در واردات آنهاست. اما در زمینه واردات ایران از غرب آسیا، میزان واردات ایجادشده از انحراف در واردات بیشتر است. ایران با کاهش نرخ‌های تعرفه‌ای در کدهای منتخب با کشورهای سوریه، عربستان سعودی، کویت، لبنان و یمن می‌تواند تراز بازرگانی خود با این کشورها را به سمت بهبود به نفع خود هدایت نماید اما کاهش تعرفه‌های متقابل با امارات متحده عربی، بحرین، عمان و قطر به نفع این کشورها و به ضرر تراز تجاری ایران خواهد بود.

پیشنهادها

میانگین نرخ‌های تعرفه‌ای گمرکی ایران در سال ۱۳۸۳ با حدود ۳۰ درصد کاهش نسبت به سال قبل ۲۲/۶ درصد می‌باشد که این رقم برای محصولات کشاورزی ۳۰/۶ و برای محصولات غیر کشاورزی ۲۱/۲ درصد است. مقایسه نرخ‌های مذکور با نرخ‌های تعرفه کشورهای مورد مطالعه از منظر برقراری روابط تجاری تعرفه‌ای نشان می‌دهد، برقراری روابط با بسیاری از کشورهای مورد بررسی چندان به نفع ایران نخواهد بود.

با عنایت به تأثیر مثبت کاهش تعرفه‌ها در قسمت حیوانات زنده (قسمت ۰۱ شامل کدهای ۰۵-۰۱) و محصولات صنایع شیمیایی (قسمت ۰۶ شامل کدهای ۳۸-۲۸) بر توسعه صادرات ایران به کشورهای مورد بررسی، پذیرش مفاد ترتیبات تجاری ترجیحی در این قسمت‌ها قابل توصیه است.

همچنین توصیه می‌شود ایران در شرایط فعلی تولید و تجارت خود با کشورهای غرب آسیا، حتی الامکان با کاهش تعرفه‌ها در دیگر قسمت‌های تعرفه‌ای موافقت ننموده و یا تا حد ممکن، میزان کاهش را محدود نماید.

همچنین پیشنهاد می‌شود در صورتی که تمایلی برای تحقیقی گسترده به منظور ارائه راهکارهای مناسب جهت توسعه روابط خارجی ایران با سایر کشورهای جهان و یا گروه خاصی از کشورها وجود داشته باشد، وضعیت تمام زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی (حمل و نقل، بیمه، بانکداری و...) و تجاری (موانع غیرتعرفه‌ای، موانع گمرکی و...) بررسی و آثار ایجاد تغییر در آنها بر گسترش روابط فی‌مابین مورد مطالعه قرار گیرد. اما در تحقیق حاضر صرفاً یکی از موانع و آثار حذف آن بر توسعه روابط ایران با گروه مشخصی از کشورها به عنوان تحقیقی نخستین در نوع خود ارائه شده است. چنین تحقیقی می‌تواند با تعریف عناوین تکمیلی زمینه را برای تصمیم‌گیری عملی سیاستگذاران جهت هموار نمودن راه توسعه روابط تجاری ایران با سایر کشورها هموار نماید.

منابع

- عابدین مقانکی، محمدرضا (۱۳۷۸)؛ "برآورد تابع تقاضای واردات ایران از پنج کشور صنعتی جهان و امکان جایگزینی آنها (مورد مطالعه: واردات از آلمان)"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۱، صص. ۷۰-۳۳.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰)؛ سالنامه آمار بازرگانی خارجی ایران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (۱۳۸۳)؛ مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (۱۳۷۵)؛ یادداشت رژیم تجاری جمهوری اسلامی ایران.
- نجفی لاریجانی، حسن و ابوالفضل افخم (۱۳۷۵)؛ تعرفه‌های ترجیحی در نظام جهانی ترجیحات تجاری، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- نماینده‌گی تام‌الاختیار تجاری ایران (مرداد و شهریور ۱۳۸۱)؛ خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان جهانی تجارت، شماره ۳۷ و ۳۸.
- Bahmani-Oskooee M. and T. J. Brooks (2002); "A Cointegration Approach to Estimating Bilateral Trade Elasticities Between the U.S. and her Trading Partners", *International Economic Journal*, 13, pp. 119-128.
- Baldwin, R. (1994); *Towards An Integrated Europe*, London: Centre for Economic Policy Research.
- _____ (1997); "The Causes of Regionalism", *The World Economy*, 20 (7), pp. 865-888.
- _____ (2003); "Openness and Growth: What's the Empirical Relationship?", *National Bureau of Economic Research (NBER)*, Working Paper, No. W9578.
- Bhagwati, J and A, Panagariya. (1996); *Preferential Trading Areas and*

- Multilateralism: strangers, friends or foes?*, Washington, DC: AEI Press.
- Bhagwati, J. (1993); "Regionalism and Multilateralism: An Overview", in De Melo and Panagariya (eds.), *New Dimensions in Regional Integration*, London, Cambridge: University Press.
- Boonekamp, C. (2003); "The Changing Landscape of RTAs", *WTO Secretariate*, Geneva.
- Burfisher, M.E, S. Robinson and K. Thierfelder. (2003); *Regionalism Old and New: Theory and Practice*, Italy.
- Charles J. McMillan. (1993); *Building Blocks or Trade Blocs: NAFTA, Japan and The New World Order*, Ottawa: Canada Japan Trade Council.
- Cooper, C. and Massell B. (1965); "A New Look at Customs Unions Theory", *The Economic Journal*, 75, pp. 742-7.
- Cosar, E.E. (2002); *Price and Income Elasticities of Turkish Export Demand: A Panel Data Application*, Centered Bank of the Republic of Turkey.
- de Melo, Jaime and Sherman Robinson (1992); "Productivity and Externalities: Models of Export-Led Growth", *Journal of International Trade and Economic Development*, 1(1), pp. 41-68.
- Edwards, S. (1993); "Openness, Trade Liberalization and Growth in Developing Countries", *Journal of Economic Literature*, 31 (3), pp. 1358-1393.
- Ernst van Seventer, Drik, Mlangeni, Thembi (2001); "A Free Trade Between South Africa and India: Which Commodities Matter?", *TIPS Policy Review Workshop*.
- Ethier, W. J. (1998); "Regionalism in the Multilateral World", *Journal of Political Economy*, 106 (6), pp. 1214-1245.
- Hassan Al-Atrash and Tariq Yousef. (2000); "Intra Arab Trade: Is it too little?", *IMF Working Paper*, WP/00/10, Washington.
- Jachia Lorenza. Teljeur, Ethel. (1999); *Free Trade Between South Africa and the European Union, A Quantitative Analysis*, Unctad/OSG/DP/141.
- Johnson, H. (1965); "An Economic Theory of Protection, Tariff Bargaining and the Formation of Customs Unions", *Journal of Political Economy*, 73, pp. 256-83.

- Kee, H. L. , M. Olarreaga, and P. Silva (2003); *Market Access for Sale*.
- Khan M. (1974); "Import and Export Demand in Developing Countries", *IMF Staff Paper*, 11(3), pp. 125-147.
- Meade, J. (1955); *The Theory of Customs Unions*, Amsterdam, North-Holland.
- Thomas F. Rutherford, Elisabet E. Rutström and David Tarr. (1999); *The Free-Trade Agreement Between the European Union and a Representative Arab Mediterranean Country: A Quantitative Assessment*, University of Colorado, University of South Carolina and the World Bank.
- Viner, J. (1950); *The Customs Union Issue*, New York: Carnegie Endowment for International Peace.
- Winters, L. A. and W. Chang (2000); "Regional Integration and Import Prices: An Empirical Investigation", *Journal of International Economics*, 51 (2), 363-377.
- Wonnacott, P. and R. Wonnacott (1981); "Is Unilateral Tariff Reduction Preferable to a Customs Union? The Curious Case of Missing Foreign Tariffs", *The American Economic Review*, 71.
- Kemp, MC and H. Wan. (1976); Latin America's Lobbying for US Tariff Preferences, *World Bank*, Unpublished Paper.
- WTO Secretariate (2003); *World Trade Report*, Geneva.
- www.wto.org